

# نظام آموزش متوسطه کشاورزی، اشتغال و بازار کار در بخش کشاورزی

محمد چیدری<sup>۱</sup> - مهدی شریعت زاده<sup>۲</sup> - امید نوروزی<sup>۳</sup>

**Mohammad Chizari**

**Associate Professor Tarbiat Modarres University**

**College of Agriculture Department of Agricultural Extension and Education**

[mchizari@modares.ac.ir](mailto:mchizari@modares.ac.ir)

**Mehdi Shariyatzadeh**

**Faculty of Educational Research Institute, Tehran, Iran**

**Omid Noroozi**

**Graduate Student**

**Tarbiat Modarres University**

**College of Agriculture**

**Department of Agricultural Extension and Education**

[Omid\\_noruzi@yahoo.com](mailto:Omid_noruzi@yahoo.com)

---

<sup>۱</sup> - دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

<sup>۲</sup> - عضو هیئت علمی پژوهشکده تعلیم و تربیت

<sup>۳</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

## نظام آموزش متوسطه کشاورزی، اشتغال و بازار کار در بخش کشاورزی

محمد چیدری<sup>۱</sup> - مهدی شریعت زاده<sup>۲</sup> - امید نوروزی<sup>۳</sup>

### چکیده:

تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بازارکار از جهات کمی و کیفی یکی از دغدغه‌های مهم سیاستگذاران و برنامه‌ریزان نظام آموزشی کشور از گذشته دور می‌باشد و در نظام جدید آموزش متوسطه که در سال تحصیلی ۱۳۷۱-۷۲ به اجرا در آمده است به صورت جدی‌تر مطرح گردیده است. یکی از بخشهای بسیار با اهمیت نظام جدید آموزش متوسطه، نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای می‌باشد و آموزش متوسطه کشاورزی نیز یکی از زمینه‌های نظام آموزش فنی و حرفه‌ای است که در دو شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش به تربیت نیروی متخصص مورد نیاز در سطوح کارگر نیمه‌ماهر و ماهر و کاردان می‌پردازد.

با توجه به امکانات بالقوه بخش کشاورزی در ایران و نقش قابل توجهی که در حال حاضر این بخش در تولید ناخالص کشور دارا می‌باشد (۲۶ درصد)، این اندیشه از طرف برنامه‌ریزان و سیاستگذاران اقتصادی مطرح می‌گردد، که ظرفیت تولیدی این بخش نیز می‌تواند از طریق اعمال مدیریت مناسب و با تلفیق صحیح عناصر و عوامل مؤثر در تولید، به بیش از مقدار موجود ارتقاء یابد. تحقق این امر مستلزم وجود و انباشت سرمایه انسانی مناسب یعنی تربیت نیروی انسانی ماهر مورد نیاز بازارکار این بخش می‌باشد.

با توجه به نتایج مطالعه، از جمله پیشنهادات ارائه شده در حوزه تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بازارکار کشاورزی توجه جدی به فرآیند جذب و پذیرش و انجام اصلاحات ساختاری و قانونی در فرآیند جذب دانش‌آموز در مراکز آموزش متوسطه کشاورزی و هنرستانهای کشاورزی می‌باشد و سپس توجه به هدف کارآفرینی و توسعه و گسترش آن در بین اذهان دانش‌آموزان (هنرجویان) این مراکز می‌باشد و در گام آخر توجه به اصلاحات در برنامه درسی، به ویژه انجام کارآموزی‌ها و کارورزی در خارج از محیط هنرستان به منظور آشنایی دانش‌آموزان با محیط واقعی کار می‌باشد. در حوزه تقاضای بازارکار کشاورزی تأکید و توصیه بر پرورش خصلتهای اخلاق حرفه‌ای در دانش‌آموزان مانند دیدگاه مثبت نسبت به شغل کشاورزی، توان کار گروهی و تیمی و تهیه ساز و کار حمایتی از بخش کشاورزی می‌باشد.

کلمات کلید: نظام آموزش متوسطه کشاورزی - اشتغال - بازار کار - فارغ التحصیلان

<sup>۱</sup> - دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

<sup>۲</sup> - عضو هیئت علمی پژوهشکده تعلیم و تربیت

<sup>۳</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

## مقدمه:

تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بازارکار از جهات کمی و کیفی یکی از دغدغه‌های مهم سیاستگذاران و برنامه‌ریزان نظام آموزشی کشور از گذشته دور می‌باشد و در نظام جدید آموزش متوسطه که در سال تحصیلی ۱۳۷۱-۷۲ به اجرا در آمده است به صورت جدی‌تر مطرح گردیده است. یکی از بخشهای بسیار با اهمیت نظام جدید آموزش متوسطه، نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای می‌باشد و آموزش متوسطه کشاورزی نیز یکی از زمینه‌های نظام آموزش فنی و حرفه‌ای است که در دو شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش به تربیت نیروی متخصص مورد نیاز در سطوح کارگر نیمه‌ماهر و ماهر و کاردان می‌پردازد.

نقطه عطف اهداف نظام جدید آموزش متوسطه سمت گیری آن در ارائه آموزش‌های عملی و مهارت‌های قویتر است تا زمینه اشتغال مفید فارغ‌التحصیلان را فراهم می‌کند. پژوهش حاضر که برای دست یابی به راهکار مناسب در جهت تحقق هر چه بهتر هدف فوق در زمینه آموزش کشاورزی صورت می‌گیرد، از جهات زیر دارای اهمیت است:

### الف) استفاده مناسب از امکانات بالقوه کشور در بخش کشاورزی

بر اساس آمار مندرج در جدول شماره ۱، ایران کشوری است با امکانات بالقوه در بخش کشاورزی که سالانه حدود ۱۲۰ میلیارد متر مکعب قابل استحصال با ۵۱ میلیون هکتار زمین قابل استفاده می‌باشد که ۵۸ درصد منابع آب و ۳۷ درصد زمین های موجود مورد بهره برداری قرار می‌گیرد (سازمان برنامه و بودجه ۱۳۷۴) و در این میان برابر آمار سال ۱۳۷۵، حدود ۲۳ میلیون نفر از جمعیت ایران ساکن مناطق روستایی بوده که این رقم حدود ۳۸/۳ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد و اکثریت آنها نیز به شغل کشاورزی اشتغال دارند. وجود زمین و آب قابل توجه و تنوع اقلیمی آن به همراه جمعیت شاغل در بخش کشاورزی، مجموعاً موقعیتی را برای کشور ایران ترسیم می‌کند که به عنوان یک کشور مستعد کشاورزی شناخته شود و به همراه آن ضرورت توجه جدی تر به این بخش و استفاده بیشتر از ظرفیت بالقوه آن مطرح می‌گردد.

بدیهی است که یکی از عوامل بسیار مهمی که می‌تواند، از این امکانات قابل توجه بالقوه و استعدادهای طبیعی استفاده مناسب و بهینه را بعمل آورد نیروی انسانی متناسب و ماهر و آموزش دیده ای است که مدیریت کار را بر عهده بگیرد و حلقه اتصال و تلفیق کننده امکانات فوق باشد که در نهایت به تغییر شیوه بهره برداری فعلی، افزایش تولید و اشتغال در این بخش می‌انجامد و در آن صورت است که اولاً با افزایش تولید و درآمد، انگیزه سرمایه‌گذاری در این بخش خصوصاً از جانب بخش خصوصی افزایش می‌یابد، ثانیاً به افزایش تولید داخلی و رشد درآمد سرانه این بخش می‌انجامد.

جدول شماره (۱): امکانات بالقوه و مورد استفاده در بخش کشاورزی و منابع طبیعی

منابع	امکانات بالقوه	میزان استفاده فعلی	سهم (درصد)
آب (میلیارد متر مکعب)	۱۲۰	۷۰	۵۸
میزان استحصال			
خاک (میلیون هکتار)	۵۱	۱۸/۵	۳۷
اراضی قابل استفاده	۴	۲	۵۰
جنگل (میلیون متر مکعب)	۳۵	۱۵/۵	۴۴
استحصال سالانه چوب			
علوفه مراتع (میلیون تن)			

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، پیوست لایحه برنامه دوم ۱۳۷۴

## ب) بعد اقتصادی

استفاده از ظرفیت های بالقوه بخش کشاورزی می تواند از نظر افزایش تولید و بکارگیری نیروی انسانی و ایجاد اشتغال، نقش تعیین کننده ای را در اقتصاد کشور بر عهده بگیرد. از یک طرف :

۱- بکارگیری نیروی ماهر و آموزش دیده، زمینه را برای بهره‌وری بیشتر و بهتر از استعدادها و امکانات بالقوه‌ای مانند آب و زمین فراهم می کند، زیرا این نیروها، قادرند روند فعلی کشاورزی کشور را که عمدتاً بر معیارهای سنتی استوار است به سوی کشاورزی علمی و مکانیزه و استفاده از اطلاعات و دانش روز متحول ساخته و ارتقاء بخشند، بنابراین جایگزینی نیروی کار متفکر و علمی و استفاده از وسائل و امکانات جدید به جای نیروی کار یدی ظرفیت استفاده از نهاده هائی مانند آب ، زمین و سرمایه مادی را افزایش داده و علاوه بر افزایش تولید که یک هدف مهم اقتصادی است، باعث کاهش هزینه نیز می گردد و در نهایت تحقق موارد فوق به افزایش درآمد سرانه در بخش کشاورزی منجر خواهد شد که یک دستاورد بسیار مهم اقتصادی محسوب می گردد.

۲- علیرغم آنکه به عقیده برخی کارشناسان، توان بخش کشاورزی در ایجاد اشتغال به مقیاس وسیع نمی تواند باشد ( مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳-۱۳۷۹)، اما بکارگیری ظرفیتهای بالقوه در بخش کشاورزی، می تواند به مقدار زیادی به افزایش ظرفیت بخش اشتغال کمک کند، و حداقل اینکه می تواند زمینه جایگزینی نیروهای جوان و آموزش دیده به جای نیروهای مسن و از کار افتاده که رقم قابل توجهی را تشکیل می دهد، فراهم آورد. شواهد موجود و آمارهای در دسترس نشان می دهد که حدود (۱۲/۳۶ درصد) شاغلین بخش کشاورزی دارای سن ۶۵ سال به بالا هستند. این درصد حدود ۴۲۴۰۲۲ نفر ظرفیت شغلی را تشکیل می دهد (ماهنامه جهاد سازندگی، ۱۳۷۹). که این رقم در شرایطی که یکی از دغدغه های مهم کشور و دولت اشتغال جوانان می باشد ( طرح سامان دهی اقتصادی کشور، ۱۳۷۸) و در طول برنامه سوم اقتصادی کشور باید بالغ بر ۴ میلیون شغل ایجاد شود، بسیار قابل توجه می باشد.

۳- جلوگیری از هرز رفت سرمایه گذاریهای کلان که صرف طراحی و تدوین برنامه نظام جدید آموزش متوسطه و اجرای آن گردیده است که زمینه کشاورزی در این نظام جدید بخش مهمی از این سرمایه گذاری ها را به خود اختصاص داده است و می توان گفت که یکی از دو شاخه سرمایه بر و پر هزینه نظام جدید آموزش متوسطه، زمینه کشاورزی است ( کلیات برنامه آموزش فنی و حرفه‌ای در برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور ۱۳۷۸)، با طراحی و تدوین و بکارگیری این الگو هدف اصلی آموزش کشاورزی که به کارگیری فارغ التحصیلان در بخش کشاورزی و بخشهای مرتبط با رشته تحصیلی آنان می باشد، بطور قابل توجهی تحقق می یابد، لذا سرمایه گذاریها در جهت مطلوب به کار گرفته می شود که این خود نوعی افزایش بهره‌وری در سرمایه گذاریها نیز محسوب می شود.

۴- کمک به روند تحقق اهداف برنامه‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور در بخش کشاورزی و تأمین تربیت نیروی انسانی ماهر مورد نیاز در بخش میانی در بازارکار کشاورزی که این خود از نظر اقتصادی تأثیرگذاری قابل توجهی خواهد داشت.

## ج) بعد اجتماعی و فرهنگی

از نظر اجتماعی و فرهنگی نیز طراحی و تدوین الگوی انطباق و سازگاری دوجانبه بین نظام آموزش متوسطه کشاورزی و توقعات بازارکار و بکارگیری آن می تواند نتایج قابل توجهی در برداشته باشد. که از جمله می توان به موارد زیر اشاره داشت :

۱- کمک به افزایش اشتغال جوانان خصوصاً در بخش روستایی و کشاورزی که حداقل می‌تواند: به نوعی از بحران بیکاری جوانان در کشور بکاهد و از تبعات منفی بیکاری که از جمله مهاجرت به شهرهای بزرگ، اشتغال به مشاغل کاذب، افزایش جرم و جنایت و غیره می‌باشد جلوگیری نماید. و بخصوص آنکه تخلیه روستاها و مهاجرت به شهرها، برای دستیابی به شغل، بتدریج مراکز تولید را نیز خالی از سکنه می‌نماید.

۲- با ایجاد اشتغال مفید برای جوانان گام مهمی در راه افزایش منزلت اجتماعی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای خصوصاً آموزش کشاورزی می‌توان برداشت. خصوصاً در شرایطی که با رشد شهرنشینی، زندگی روستائی، حاشیه‌ای می‌شود. (فائو، ۱۹۹۷) و گرایش به مشاغل کشاورزی و روستائی در بین جوانان کاهش یافته است و در نزد فارغ‌التحصیلان مدارس کشاورزی، شغل کشاورزی و کار کشاورزی ارج و اهمیت اقتصادی و اجتماعی لازم را ندارد (تکمیل همایون، ۱۳۷۴)، ریشه بی‌میلی و بیزاری جوانان تحصیل کرده نسبت به کشاورزی نیز ناشی از ارزش‌های اجتماعی و انگیزه مختلف شغلی می‌باشد (رشد آموزش کشاورزی، ۱۳۷۴).

### شرح و بحث موضوع:

به موازات تغییر و تحولات فنی و تکنولوژی که در قرن بیستم شتاب بیشتری به خود گرفت، تأمین نیروی انسانی متناسب با نیازهای اجتماعی از طریق انطباق تعلیم و تربیت با نیازهای بازارکار، و حرفه‌آموزی متناسب با نیازهای شغلی، رونق بسیار گرفت. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ اکثر کشورها به تربیت نیروی متخصص در سطح بالا، در علم و فناوری اولویت دادند. به زودی مشخص شد که مانع اصلی بر سر راه توسعه کشورها، فقدان نیروی انسانی مورد نیاز در سطح میانی است. به همین خاطر برای تربیت تکنسین‌ها و کارگران ماهر مورد نیاز، مدارس متعددی به تأسیس دوره‌های فنی و حرفه‌ای پرداختند (ویلسون ۱۹۹۴). با وجود این پس از مدت کوتاهی یعنی در دهه هفتاد مشخص شد که این مدارس توانایی تربیت نیروی انسانی متناسب با بازارکار را ندارند. در همین رابطه آمده است:

فوستر (۱۹۷۰) در انتقاد از روند آموزش متوسطه و بطور خاص آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشورهای در حال توسعه نوشت: «تعلیمات فنی و حرفه‌ای بدون زمینه مساعد و مناسب اجتماعی و اقتصادی نتیجه‌ای نخواهد بخشید، چون مهارت‌های کسب شده بکار بسته نخواهد شد.

گران (۱۹۸۸) نتیجه‌گیری می‌کند: «در آمریکا ۲۰ میلیون جوان وجود دارد که دوره متوسطه را به پایان برده و وارد آموزش عالی نیز نشده‌اند. آنها برای ورود به بازارکار نیز ناتوان هستند و آمریکا درصدد بازنگری در شیوه تربیت نیروی انسانی خود است.» «برنامه‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در آمریکا نقاط ضعف جدی دارد، این برنامه‌ها، محتوی علمی ندارد و دانش‌آموزان را کاملاً به مهارت‌های قابل عرضه در بازارکار مجهز نمی‌سازد. برای جوانانی که به دانشگاه نمی‌روند پل بین دوره متوسطه و دنیای کار، بیکاری است. مشکل آن نیست که شغل و کار وجود ندارد، بلکه جوانان شرایط لازم برای اشتغال را دارا نیستند

واراوان Varavan (۱۹۹۸) می‌نویسد: «اینکه آموزش و پرورش چطور بتواند جوان را برای دنیای کار آماده کند از چالش‌های اساسی است. راملی Ramlee (۱۹۹۹) در پژوهش خود نتیجه می‌گیرد: «یکی از مشکلات در مالزی، افزایش تعداد فارغ‌التحصیلانی است که از دبیرستانها و آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای فارغ‌التحصیل شده و قادر نیستند شغلی را بدست آورند. در یک مطالعه، درباره‌ی فارغ‌التحصیلان مدارس فنی و حرفه‌ای مالزی، نتیجه

گرفته شد که، ۲۴/۸ درصد فارغ‌التحصیلان مدارس فنی و حرفه‌ای و ۱۸/۳ درصد فارغ‌التحصیلان پلی تکنیک بیکار هستند. اکثر اشخاص بیکار فاقد مهارت و دارای دیدگاه منفی نسبت به کار کردن می باشند.»

در گزارشی دیگر در مورد کره جنوبی آمده است: «کره جنوبی اعلام می‌دارد که دست اندرکاران نظام تعلیم و تربیت این کشور، از عملکرد بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، رضایت ندارند. کره جنوبی با توجه به سطح بالای بهره‌وری که از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای انتظار دارد و بخصوص با درک ارتباط این آموزش‌ها با رشد اقتصادی، از سال ۱۹۹۴ تغییرات گسترده‌ای را در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای خود آغاز کرده است (فصلنامه تعلیم و تربیت ۱۳۷۶).»

رویکرد جدید چاره کار را در این مسئله می‌بیند که آموزش متوسطه کشاورزی به سبک سنتی، باید تغییر یابد. کارشناسان به این باور رسیدند که ظهور مهارت‌های پیچیده در قلمرو مشاغل و پاسخگویی مناسب به آن مستلزم کنار گذاشتن حرفه گرائی سنتی و ارائه رویکرد جدید به حرفه گرائی است (باقری ۱۳۷۷). در این رویکرد جدید، ساختار برنامه‌ریزی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از نظر اهداف، وسعت قلمرو، محتوی، تغییر می‌کند و بنا بر عقیده کارشناسان معتقد به حرفه گرائی جدید در آمریکا و انگلستان، یکی از تغییرات اساسی آن است که باید مرزهای بین آموزش‌های حرفه‌ای و نظری کم رنگ شود. (هوایسون ۱۹۹۳، لویس ۱۹۹۶) معتقد است که: «آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در رابطه با دانش‌آموزان باید در زمینه‌هایی از قبیل توسعه نگرشها، مهارت‌های شخصی، مهارت‌های ارتباطی و رایانه‌ای و مهارت‌های قابلیت اشتغال عمل کند.» (المصری ۱۹۹۹) تحت عنوان: «تقاضاهای در حال تغییر قرن بیست و یکم و چالش‌های آموزش فنی و حرفه‌ای به این نکته تأکید دارد که: آنچه واقعاً در سیستمهای آموزشی ما بیش از هر چیز دیگر مورد نیاز است، آزادسازی آموزش و تربیت حرفه‌ای و حرفه‌ای کردن آموزش عمومی است.» سرانجام اینکه در دیدگاههای اخیر یونسکو در مورد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آمده است: «برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای نمی‌توانند طوری طراحی شوند که با دقت به نیازهای یک شغل معین یا برای مجموعه‌ای از وظایف پس از اشتغال بکار پاسخگو باشند. پویایی و تغییرات سریع تقاضای دنیای کار بیش از پیش ایجاب می‌کند که مهارت‌های بدنی جای خود را به مهارت‌های ذهنی بدهند.» (یونسکو ۱۹۹۸). با توجه به آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت:

۱. برای مواجهه با تغییرات سریع دانش و فناوری در جهان، ارائه رویکرد جدید به حرفه گرائی و سیاستگذاری نو در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای امری اجتناب ناپذیر است
  ۲. بر اساس رویکرد جدید، برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای به گونه‌ای باید طراحی گردد که نظام آموزش متوسطه گسترش یافته و آموزش عمومی را نیز در برگیرد (هولنشید ۱۹۸۷).
  ۳. هر فرد به گونه‌ای باید تربیت شود که به چند مهارت شغلی، دست یابد. مانند آنچه که در بین بعضی کشورهای در حال توسعه مانند زلاندنو، کره و فیلیپین مطرح است. آنان به این باور رسیده‌اند که تکنولوژی متحول، مستلزم تربیت نیروی چند مهارته است. یعنی فرد تحت آموزش، علاوه بر توانایی‌های اجرایی، دانش و مهارت و توانایی حل مسئله مرتبط با شغل را کسب کرده باشد (صدری ۱۳۷۸).
- جمع‌بندی از یافته‌های پژوهشی که در بالا بدانها اشاره شد نشان می‌دهد که کماکان یکی از چالشهای مهم بر سر راه نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و به ویژه نظام آموزش متوسطه کشاورزی در ایران عدم انطباق و سازگاری لازم بین برون دادهای نظام آموزشی و توقعات و نیازهای بازارکار می‌باشد. لذا مسئله اصلی این پژوهش آن است که چه عوامل و نارسائیهایی مانع انطباق نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و توقعات بازارکار کشاورزی می‌گردند؟ و

چگونه می‌توان بین نظام آموزش فنی و حرفه ای کشاورزی و نیازها و توقعات بازارکار انطباق و سازگاری لازم را بوجود آورد؟ الگوی مناسب انطباق و سازگاری دوجانبه بین نظام آموزش فنی و حرفه ای کشاورزی و توقعات بازارکار کدام است؟ و چه ویژگی‌هایی دارد؟ بنابراین هدف از طراحی و اجرای این پژوهش، تدوین الگوی انطباق و سازگاری دوجانبه لازم بین نظام آموزش متوسطه کشاورزی و توقعات بازارکار می‌باشد.

بر همین اساس، مدل نظری این پژوهش با استفاده از مبانی نظری متناسب و مرتبط با حوزه این پژوهش، از جمله بررسی دیدگاهها و نظریات مربوط به ارتباط نظام تعلیم و تربیت با کار و بازارکار، و سیر تحولات آن، نظریه سرمایه انسانی و انجام مطالعات اکتشافی در مورد نارسائیهای موجود بین نظام آموزش متوسطه و بازارکار مرتبط با آن همراه با تعریف مفاهیم و دسته‌ها و تعیین فرض (پیش بایسته‌ها)، طراحی و تنظیم می‌گردد و در نهایت الگوی مطلوب نظام آموزش فنی و حرفه ای کشور ارائه می‌گردد.

#### نتایج حاصل از بررسی نظرات و دیدگاهها در مورد آموزش متوسطه کشاورزی و بازارکار مرتبط با آن

ردیف	نظرات و دیدگاهها	منبع	پیش فرض
۱	بازارکار کشاورزی در طی ۱۱ سال گذشته با رشد سرمایه‌گذاری منفی مواجه بوده است.	اقتصاد کشاورزی و توسعه (۱۳۷۹)	رشد منفی سرمایه‌گذاری مانع از توسعه اشتغال می‌شود.
۲	بخش کشاورزی از نظر سرمایه‌گذاری به ازای هر شغل در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی پر هزینه ترین بخش می‌باشد.	نیسی (۱۳۷۸)	ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی پر هزینه است.
۳	نظام جدید آموزش متوسطه کشاورزی نیاز به بازنگری در برنامه دارد.	میری پایان نامه (۱۳۷۶)	برنامه آموزش متوسطه کشاورزی در نظام جدید متناسب با نیازها نیست.
۴	اکثریت معلمان کشاورزی تایید می‌کنند که دانش‌آموزان شاغل به تحصیل در رشته کشاورزی برای انجام مشاغل کشاورزی آماده نشده‌اند.	David.E. Cox (1989)	فارغ‌التحصیلان فاقد توانائیهای مهارتی و حرفه‌ای لازم بازارکار هستند.
۵	دانش‌آموزانی در رشته کشاورزی ثبت نام می‌نمایند که علاقه کمی به کشاورزی دارند.	F.Ao (1977)	انگیزه پایین از موانع انطباق برون‌داد نظام آموزشی با نیازهای بازارکار است.
۶	دانش‌آموزان آموزش متوسطه کشاورزی بطور روز افزون نیازمند به آموختن دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای اشتغال در بخش خصوصی هستند.	FAO (1999)	شناسائی نیازهای علمی و مهارتی بازارکار خصوصی توسط برنامه‌ریزان آموزش متوسطه کشاورزی ضرورت دارد.
۷	مهارت‌های مورد نیاز برای اشتغال موفقیت آمیز، شامل هر دو مهارت‌های علمی و کارگاهی است.	Schmit (1995)	فارغ‌التحصیلان باید دارای مهارت‌های علمی و عملی باشند.
۸	دسترسی به مشاغل خوب به نحوه فزاینده ای بستگی به توانائی ارائه دانش و مهارت عملی دارد.	R.Kirby Barrick (1992)	ارائه توانائی علمی و مهارتی دانش‌آموزان زمینه ساز اشتغال است.
۹	آموزش باید نیروی کار منعطف، برای بازارکار منعطف تربیت کند.	OECD (1989)	برنامه آموزشی باید از انعطاف لازم برخوردار باشد.
۱۰	موسسات آموزش کشاورزی باید راههای ارتباط با بازارکار را جستجو نمایند.	FAO (1977)	ارتباط بین موسسات آموزش کشاورزی و بازارکار لازم است.
۱۱	بین محل تولد، سابقه کار در زمینه دامپروری و آشنائی اولیه با دبیرستانهای دامپروری قبل از ورود با انگیزه و میزان علاقه دانش‌آموزان رابطه معنی دار وجود دارد.	اسکندری (۱۳۷۴) پایان نامه	محل تولد، سابقه کار و آشنائی اولیه با هنرستانها و مراکز آموزش متوسطه کشاورزی در ایجاد انگیزه و علاقه دانش‌آموزان موثر است.

۱۲	شیوه های کارورزی باید در حین تحصیل در مزارع و تحت نظر کارفرمایان باشد.	ایمن (۱۳۷۲) پایان نامه	کارورزی و کارآموزی باید در محیط کار واقعی صورت گیرد.
۱۳	در شرایط فعلی وظیفه آموزش متوسطه کشاورزی توسعه اجتماعی، و ایجاد آمادگی شغلی می باشد.	Reisonberg (1977)	توسعه اجتماعی و ایجاد آمادگی شغلی باید از اهداف آموزش متوسطه کشاورزی باشد.
۱۴	در نظام آموزش متوسطه فنی و حرفه ای و کشاورزی اصل تامین نیروی انسانی مورد نیاز منطقه به اصل پاسخگویی به تقاضا ها تبدیل شده است.	سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۸)	جذب دانش آموزان به رشته های فنی و حرفه ای و کشاورزی با نیازهای منطقه تناسب ندارد.
۱۵	پایه های توسعه آموزش های فنی و حرفه ای بر منبع محوری می باشد و اشتغال مرتبط در سیستم جایگاهی ندارد.	صدری (۱۳۷۶)	عدم اشتغال مرتبط در مورد فارغ التحصیلان آموزش های فنی و حرفه ای و کشاورزی به علت جذب نا مناسب دانش آموزان به این رشته ها می باشد.
۱۶	پژوهش در مورد دانش آموزان شاخه فنی و حرفه ای و کاردانش نشان می دهد که معدل ۵۰٪ دانش آموزان در دو استان تهران و اصفهان کمتر از ۱۲ و ۲٪ بیشتر از ۱۷ بوده است.	طرح پژوهشی معاونت آموزش متوسطه (۱۳۷۵)	دانش آموزانی که جذب رشته های فنی و حرفه ای و کاردانش می شوند از نظر تحصیلی ضعیف هستند.
۱۷	دانش آموزانی که به آموزش های فنی و حرفه ای وارد می شوند از نظر معدل ضعیف هستند.	وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۶)	بین معدل دانش آموزان و ورود آنها به رشته های فنی و حرفه ای رابطه وجود دارد.
۱۸	محتوی کتابهای درسی نظام آموزش متوسطه کشاورزی باید اصلاح شود.	مرادی ۱۳۷۴ طرح پژوهشی	محتوی کتاب های درسی آموزش متوسطه کشاورزی مناسب نیست.
۱۹	محتوی دروس نظام جدید آموزش متوسطه کشاورزی از دیدگاه مدیران و هنر آموزان متوسط ارزیابی می شود.	میری ۱۳۷۶ پایان نامه کارشناسی ارشد	محتوی دروس نظام جدید آموزش متوسطه کشاورزی با اهداف برنامه متناسب نیست.
۲۰	نظام جدید آموزش متوسط کشاورزی نسبت به نظام قدیم، از نظر محتوی و ساعات دروس عملی ضعیف تر شده است.	شمس آذر ۱۳۷۹ مصاحبه اکتشافی	نظام جدید آموزش متوسطه کشاورزی باید محتوی درسی و دروس عملی را تقویت نماید.
۲۱	هدف های مهارتی دروس تخصصی آموزش های فنی و حرفه ای با نیازهای بازارکار از ارتباط لازم برخوردار نمی باشد.	نفیسی ۱۳۷۸	هدف های مهارتی بر خاسته از نیازهای بازارکار نیست.
۲۲	به علت کمبود فضای هنر ستانهای کشاورزی آموزش های عملی به درستی امکان پذیر نیست.	مرادی ۱۳۷۴	آموزش عملی در هنرستان های کشاورزی ضعیف است.
۲۳	دانش آموزان کم استعداد و درس نخوان به صورت اجباری به آموزش های کاردانش هدایت می شوند.	غریب (۱۳۷۴) طرح پژوهشی	فرایند هدایت تحصیلی در مورد دانش آموزان شاخه کاردانش صورت نمی گیرد.
۲۴	یکی از نقاط ضعف آموزش های کاردانش، اجرای برنامه کارورزی به صورت غیر واقعی می باشد.	جلالی پور (۱۳۸۰) طرح پژوهشی	ضعف مهارتی و عملی دانش آموزان شاخه کاردانش با اجرای برنامه کارورزی ارتباط دارد.
۲۵	آموزش های کاردانش کشاورزی با استفاده از امکانات آموزشی خارج از هنرستان می تواند آموزش ها را عملی تر و عینی تر سازد.	تکمیل همایون (۱۳۷۴)	انجام برنامه کارورزی در خارج از مرکز آموزش، منجر به افزایش مهارت عملی دانش آموزان می شود.
۲۶	بر نامه کارورزی ها در نظام جدید آموزش متوسطه و در شاخه کاردانش باید در خارج از محیط هنرستان صورت	جلالی پور (۱۳۸۰)	برنامه کارورزی در شاخه کاردانش در داخل محیط آموزشگاه صورت می گیرد.



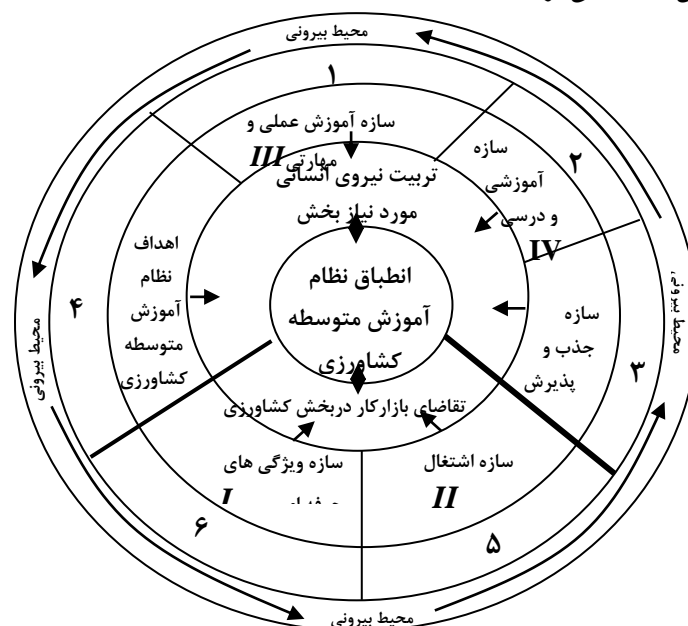
	گیرد.	طرح پژوهشی	
۲۷	نظام جدید آموزش متوسطه کشاورزی دانش‌آموزان را تا حد زیادی برای ادامه تحصیل آماده می‌کند.	کیامنش و دیگران (۱۳۷۶) طرح پژوهشی	نظام جدید آموزش متوسطه کشاورزی در راستای هدف برنامه که تامین نیروی ماهر در سطوح میانی است گام بر نمی‌دارد.
۲۸	خدمات راهنمایی و مشاوره در نظام جدید آموزش متوسطه بیشتر در خدمت نیازهای پر جاذبه جامعه قرار دارد.	کیامنش (۱۳۷۵) طرح پژوهشی	فرایند هدایت تحصیلی و مشاوره شغلی بطور صحیح انجام نمی‌گیرد.
۲۹	هدایت تحصیلی در نظام آموزش متوسطه فنی و کشاورزی به گونه ای است که دانش‌آموزان بی انگیزه به این آموزش‌ها روی آورند.	نفیسی (۱۳۷۸)	برای تقویت انگیزه دانش‌آموزان شاغل به تحصیل باید فرایند هدایت تحصیلی و مشاوره شغلی اصلاح گردد.
۳۰	دانش‌آموزان با انگیزه و علاقه واقعی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای وارد نمی‌شوند.	سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۵)	لازم است دانش‌آموزان با انگیزه را برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای انتخاب کرد.
۳۱	هماهنگی بین مجریان بخش کشاورزی و برنامه‌ریزان آموزش کشاورزی در تعیین نیازهای واقعی بخش کشاورزی مؤثر است.	مطیعی (۱۳۷۶) پایان نامه	نظام آموزش متوسطه کشاورزی بر مبنای نیازهای واقعی بازارکار طراحی نشده است.
۳۲	برنامه‌های آموزش کشاورزی باید تواناییهای فنی و رشد ویژگیهای شخصی مورد نیاز بازارکار آینده را در افراد فراهم کند.	(Barrick 1992)	فارغ‌التحصیلان برای اشتغال باید واجد ویژگیهای فنی و شخصی باشند.
۳۳	کارفرمایان از کارگران مهارت‌های اجتماعی، خود انگیزی، روحیه مناسب، شخصیت، ارتباطات و اخلاق کار را انتظار دارند.	(Dansiz 1996)	مهارت‌های مورد نیاز بازارکار شامل مهارت‌های فردی و شخصی و اجتماعی می‌باشد.
۳۴	مدل آموزش کشاورزی باید بر پایه تغییرات در صنعت کشاورزی، جمعیت دانش‌آموزان، تغییرات در جامعه، تغییرات در نظام آموزش و تغییرات در محیط کار طراحی شود.	Mc.Cormick et al (1989)	در طراحی مدل آموزش کشاورزی تغییرات اجتماعی فنی، محیطی، آموزشی باید در نظر گرفته شود.
۳۵	بیکاری فارغ‌التحصیلان ناشی از نا همخوانی نظام آموزشی با نیازهای بازارکار ناشی می‌شود.	ساخار پولوس (۱۹۸۹)	برای رفع بیکاری فارغ‌التحصیلان باید هماهنگی بین نظام آموزش و بازارکار ایجاد شود.
۳۶	ویژگیهای مسئولیت‌پذیری، نظام و مقررات، روحیه همکاری، دیدگاه مثبت به شغل و انعطاف پذیری برای اشتغال لازم است.	Anderson (1996)	ایجاد اخلاق حرفه‌ای در فارغ‌التحصیلان از جمله وظایف نظام آموزشی می‌باشد.
۳۷	کارفرمایان مهارت‌های کارکردی و سازگاری با محیط کار را برای اشتغال فارغ‌التحصیلان لازم می‌دانند.	Murphy & Jenks (1983)	فارغ‌التحصیلان باید مجهز به دو ویژگی مهارت کارکردی و سازگاری با محیط کار باشند.
۳۸	داشتن انگیزه و مهارت‌های پایه، از دیدگاه کارفرمایان اهمیت دارد.	Liberian (1989)	فارغ‌التحصیلان برای اشتغال باید انگیزه و مهارت‌های پایه لازم را دارا باشند.
۳۹	یادگیری برای انجام دادن تنها به منظور کسب مهارت حرفه‌ای نیست، بلکه تواناییهای روبرو شدن با موقعیتهای گوناگون است.	یونسکو (1998)	انعطاف پذیری در مهارت‌آموزی، باید در برنامه آموزشی لحاظ گردد.

## طراحی الگوی پیشنهادی

در این مرحله با توجه به نتایج حاصل از طراحی الگوی نظری نظام آموزش متوسطه و توقعات بازارکار و همچنین داده‌پردازیهای تکمیلی حاصل از نتایج تحقیقات انجام شده و تجربیات محقق، الگوی پیشنهادی انطباق و سازگاری دوجانبه بین نظام فنی و حرفه ای و توقعات بازارکار، با انجام اصلاح و تعدیل در الگوی اقتضائی، به شرح ذیل ارائه می‌گردد.

در این الگو، در بخش سازه جذب و پذیرش، علاقمندی داوطلبان به همراه سابقه کار در بخش کشاورزی اثربخش‌تر خواهد بود. زیرا بسیاری از ساکنین مناطق روستایی که جذب هنرستانها و مراکز آموزش فنی و حرفه ای کشاورزی می‌شوند، دارای سابقه کار در بخش کشاورزی نیز هستند که در بسیاری از موارد این سابقه کار، سبب عدم علاقمندی آنان به انتخاب رشته کشاورزی می‌شود و صرف جذب داوطلبان دارای سابقه کار در بخش کشاورزی، نمی‌تواند سازه جذب و پذیرش را که بالاترین ارتباط را با تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی را دارا می‌باشد، در جذب افراد مناسب و با انگیزه، از کارائی لازم برخوردار کند، به ویژه آنکه علاقه و انگیزه تا آن حد مهم است که بر عقیده یکی از صاحب‌نظران، تربیت نیروی انسانی ماهر ( سرمایه انسانی) بدون آن و فقط با اجرای برنامه‌های آموزشی، تحقق نخواهد یافت (عظیمی ۱۳۸۲). به ویژه آنکه اجرای برنامه «فرآیند» هدایت تحصیلی نیز نتوانسته است، دانش‌آموزان با انگیزه و علاقمند را به رشته‌های تحصیلی مناسب با علائق و استعدادهای آنان، هدایت نماید (کیامنش ۱۳۷۵، نفیسی ۱۳۷۸، حمیدی‌پور ۱۳۷۹).

در مورد سازه اهداف نظام آموزش متوسطه نیز متغیر خود اشتغالی، ارتباط و همبستگی بسیار ناچیزی را با این سازه نشان می‌دهد. اما با در نظر گرفتن اینکه متغیر کارآفرینی و خوداشتغالی دو مقوله مرتبط با یکدیگر می‌باشند، لذا این دو متغیر باید در کنار یکدیگر دیده شوند و همچنین با توجه به اینکه سطوح حرفه‌ای نیروی انسانی، در سازه تقاضای بازارکار معنی دار نگردیده است. لذا متغیر تربیت کارگر نیمه ماهر، ماهر، تربیت کاردان و آماده کردن افراد برای تصدی مطلوب مشاغل بخش کشاورزی نیز در قالب متغیر تأمین نیروی انسانی مورد نیاز مناطق مختلف کشور تعریف می‌گردد. بنابراین الگوی پیشنهادی و نحوه ارتباط اجزا و مؤلفه‌های سازنده آن، به شکل مدل زیر طراحی و ارائه می‌گردد.



## تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی؛

- ۱ - سازه آموزش عملی و مهارتی : ۱-۱ : برنامه کارآموزی یا کارورزی، ۱-۲ : شیوه ارزشیابی از دروس عملی و مهارتی، ۱-۳ : ساعات کارآموزی یا کارورزی، ۱-۴ : مقطع زمانی اجرای برنامه کارآموزی یا کارورزی، ۱-۵ : ساعات دروس عملی و مهارتی، ۱-۶ : شیوه تدریس دروس عملی و مهارتی.
- ۲ - سازه آموزشی و درسی : ۲-۱ : تجهیزات کارگاهی و آزمایشگاهی، ۲-۲ : استانداردهای مهارتی، ۲-۳ : گرایش تحصیلی، ۲-۴ : محتوی آموزشی دروس تخصصی، ۲-۵ : رشته تحصیلی.
- ۳ - سازه جذب و پذیرش : ۳-۱ : علاقه شخصی داوطلبان، ۳-۲ : داشتن سابقه کار در بخش کشاورزی، ۳-۳ : ارتباط شغل پدر داوطلبان با بخش کشاورزی، ۳-۴ : فرایند هدایت تحصیلی، ۳-۵ : سکونت در مناطق روستایی.
- ۴ - اهداف نظام آموزش متوسطه کشاورزی : ۴-۱ : کارآفرینی، ۴-۲ : خود اشتغالی، ۴-۳ : تأمین نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی.

## تقاضای بازار کار در بخش کشاورزی؛

- ۵ - سازه اشتغال : ۵-۱ : تأمین نهاده های بخش کشاورزی، ۵-۲ : ارائه تسهیلات بانکی، ۵-۳ : توسعه صادرات محصولات کشاورزی، ۵-۴ : بیمه محصولات بخش کشاورزی، ۵-۵ : سرمایه گذاری دولت در بخش کشاورزی، ۵-۶ : مکانیزه کردن بخش کشاورزی، ۵-۷ : سرمایه گذاری بخش خصوصی، ۵-۸ : نرخ تضمینی محصولات کشاورزی.
- ۶ - سازه ویژگی های حرفه ای : ۶-۱ : توانایی حل مسئله، ۶-۲ : مشارکت در کارهای جمعی، ۶-۳ : مدرک تحصیلی، ۶-۴ : میزان اعتماد به نفس، ۶-۵ : سابقه کار در بخش کشاورزی، ۶-۶ : رعایت مقررات سازمان، ۶-۷ : معلومات علمی، ۶-۸ : مهارت عملی، ۶-۹ : دیدگاه مثبت نسبت به بخش کشاورزی، ۶-۱۰ : ابتکار و خلاقیت، ۶-۱۱ : حضور منظم در محل کار، ۶-۱۲ : میزان مسئولیت پذیری.

## مدل شماره (۱۳): الگوی پیشنهادی انطباق نظام آموزش متوسطه کشاورزی و توقعات بازار کار

توجه: رابطه متغیرهای هر سازه بر اساس درجه همبستگی آنها با آن سازه تنظیم و شماره گذاری شده است. لازم به ذکر است که این شماره گذاری بین سازه های تقاضای بازار کار بخش کشاورزی و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی بطور جداگانه انجام شده است.

## نتیجه گیری و پیشنهادات:

از مطالب فوق چنین استنباط می شود که رشد تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی با توجه به ویژگیهای این بخش و میزان سرمایه گذاری در آن، به نسبت سایر بخش های اقتصادی بسیار کم و یا جزئی است و به هیچ وجه متناسب با عرضه نیروی کار در این بخش نمی باشد. لذا یکی از نارسائیهای مهم بازار کار بخش کشاورزی در ایران، آن است که ظرفیت اشتغال در آن محدود بوده و نمی تواند جوابگوی متقاضیان جویای کار باشد و یا به عبارت دیگر متناسب با میزان عرضه نیروی کار توسعه یابد و در این رابطه ضریب اشتغال، کشش پذیری محدودی دارد. به عبارت دیگر بازار کار بخش کشاورزی سالانه تقاضای محدودی را برای جذب و اشتغال نیروی انسانی اعم از کارگر ساده تا نیروی ماهر و متخصص ارائه می دهد و همین امر یکی از موانع جدی انطباق و سازگاری بین بازار کار کشاورزی و نظام آموزش متوسطه محسوب می گردد.

بر اساس یافته های فوق، پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می گردد:

- ۱- به منظور زمینه سازی برای ایجاد اشتغال بیشتر توسط بخش خصوصی، پیشنهاد می گردد دولت ساز و کار حمایتی از بخش کشاورزی را بسیار جدی تر از گذشته مورد توجه قرار داده و با ارائه خدمات حمایتی و تضمینی به کاهش ریسک پذیری در این بخش کمک نموده و انگیزه بخش خصوصی را برای سرمایه گذاری

بیشتر افزایش دهد. که این امر باعث ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر در بازارکار کشاورزی می‌گردد که به فرایند انطباق و سازگاری بازارکار کشاورزی را با عرضه نیروی انسانی تربیت شده، کمک خواهد نمود.

۲- پیشنهاد می‌گردد که در سیاست جلب و جذب دانش‌آموزان به هنرستان‌ها و مراکز آموزش متوسطه کشاورزی تجدید نظر به عمل آید. بدین معنی که هر سال با برآوردی تقریبی از نیروی انسانی ماهر مورد نیاز بخش کشاورزی، خصوصاً در سطوح میانی و متناسب با شاخص‌های اقتصادی کشور، نسبت به پذیرش داوطلبان در مراکز و هنرستان‌ها اقدام گردد، به عبارت دیگر سیاست تقاضامحوری (تقاضای بازارکار) جایگزین سیاست عرضه‌محوری یا فعلی گردد.

۳- توسعه سیاست کارآفرینی در بخش کشاورزی معمولاً به افزایش قابل توجه ظرفیت‌های شغلی می‌گردد، یکی از الزامات توسعه این سیاست، در مراحل اولیه پرداخت وام‌های بلندمدت از طرف دولت می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد که پرداخت وام به فارغ‌التحصیلان این بخش خصوصاً فارغ‌التحصیلان آموزش فنی و حرفه ای کشاورزی بطور جدی و با ساز و کار مناسب و بدور از بروکراسی اداری و متناسب با شرایط وام‌گیرندگان دنبال گردد.

۴- پیشنهاد می‌گردد که ساز و کار فعلی جذب و پذیرش که در هنرستان‌ها و مراکز آموزش فنی و حرفه ای کشاورزی اعمال می‌گردد مورد تجدید نظر قرار گیرد به گونه ای که محور اصلی در جذب و پذیرش دانش‌آموز به رشته‌های آموزش متوسطه کشاورزی باید مبتنی بر داشتن انگیزه و علاقه به کار کشاورزی و دارا بودن سابقه کار در بخش کشاورزی باشد. در این ارتباط شغل پدر دانش‌آموزان و یا داوطلبان ورود به مراکز آموزش متوسطه کشاورزی نیز باید مورد توجه قرار گیرد بطوری که اولویت در جذب دانش‌آموزان یا داوطلبانی باشد که علاوه بر دارا بودن علاقه و انگیزه و سابقه کار در بخش کشاورزی، شغل پدر آنها نیز بطور مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با بخش کشاورزی باشد تا از این طریق با توجه به فرصتهای معدود اشتغال در بخش کشاورزی کسانی وارد این بخش شوند و آموزش لازم را ببینند که خود سررشته ای در ارتباط با کشاورزی داشته باشند.

## منابع و ماخذ:

- اسکندری، جمشید. (۱۳۷۴). بررسی انگیزه های دانش آموزان برای ورود و ادامه تحصیل در دبیرستانهای دامپروری. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران
- اردونز، ویکتور. (۱۳۷۸). یادگیری برای دانستن، به نقل از آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم، گزارش کنفرانس یونسکو، گروه مترجمان، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت
- ایمن، حسن. (۱۳۷۲). بررسی قابلیتها و تواناییهای حرفه ای فارغ التحصیلان شاغل هنرستان کشاورزی از دیدگاه کارفرمایان آنان. طرح پژوهشی
- بی نام. (۱۳۷۸). آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم در منطقه آسیا و اقیانوس آرام، گزارش کنفرانس یونسکو، گروه مترجمان، تک نگاشت شماره ۲۷، پژوهشکده تعلیم و تربیت
- بی نام. (۱۳۷۵). ماهنامه علمی، اجتماعی و اقتصادی توسعه روستایی و ترویج کشاورزی جهاد، شماره ۱۸۹-۱۸۸، سال ۱۳۷۵
- تکمیل همایون، غلام حسین. (۱۳۷۳). مجله رشد آموزش کشاورزی، سال ۱۲، شماره ۸
- خصوصی، سیروس. (۱۳۷۸). نقدی بر نظام آموزش فنی و حرفه ای در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور. فصلنامه هماهنگ، شماره ۵۰
- سازمان برنامه و بودجه، مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، جلد پنجم، سال ۱۳۷۸
- سازمان برنامه و بودجه، کلیات برنامه آموزش فنی و حرفه ای در برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور، سال ۱۳۷۸
- سازمان برنامه و بودجه، بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان فنی و حرفه ای در ایران، سال ۱۳۷۵
- شمس آذر، نصرالله. (۱۳۷۹). مصاحبه درباره مراکز آموزش کشاورزی
- صافی، احمد. (۱۳۷۹). آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، انتشارات سمت
- صدری، عباس. (۱۳۷۶). آموزش و پرورش ایران تا سال ۱۴۰۰
- غریب، محمد حسن. (۱۳۷۴). نگرش دانش آموزان نظام جدید آموزش متوسطه نسبت به شاخه کار و دانش، طرح پژوهشی
- فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، فصلنامه علمی پژوهشی شماره ۳۲، موسسه پژوهش و برنامه ریزی اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۹
- کلیات نظام جدید آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش، سال ۱۳۷۵
- کیامنش، علیرضا. (۱۳۷۶). ارزشیابی از نظام جدید آموزش متوسطه، سازمان پژوهش و برنامه ریزی درسی، وزارت آموزش و پرورش
- مرادی، محمد علی. (۱۳۷۴). بررسی کارایی درونی نظام آموزش متوسطه کشاورزی. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱ و ۲. سازمان تحقیقات و برنامه ریزی آموزشی و درسی، وزارت آموزش و پرورش
- میری، نورمحمد. (۱۳۷۶). بررسی برخی ویژگیهای برنامه نظام جدید آموزش متوسطه کشاورزی از دیدگاه مدیران و هنرآموزان هنرستانهای کستورزی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی

نفیسی، عبدالحسین. (۱۳۷۸). بررسی نارساییهای ارتباط نظام آموزش و اشتغال و راهکارهای اصلاحی آن، انتشارات مدرسه

- Anderson, S. (1994). Global ecotoxicology; Management and science, industrial ecology and global change, Cambridge U. K. Cambridge University press

- Boucher, L. (1994). Reform of the Swedish post compulsory schools 1960-83. the Encyclopedia of Education second edition

-Cox, D & *et al.* (1989). Agricultural education model. The agricultural education magazine. May, 1989

Dreyfus, A. (1994). Agricultural and rural education, The International encyclopedia of education, second edition

- FAO. (1997). Agricultural education and training issues & opportunities; [ on line] available: <http://www.Fao.Org/Waicent/fao info/ studeve/ Exdirect/Exre 0008.htm>

- Grant, p. (1992). Vocational education in the united states 1969-1990. U.S. Department of education

- Luglo, J. (1992). Vocational training & the bankers faith in the prevate sector. Comparative educational review 36

- Ramlee, B. M. (1999). The role of vocational and teaching education in the industrialized of Malasia. Unpublished doctoral dissertation, Purdue University

- Taylor, M (1977). Issue and oppourtunities for agricultural education and training in the 1990s and beyond. Food and Agricultural Organization of The United. Room

# **Agricultural High school education System, Employment and Labor Market of Agricultural Sector**

M, Chizari<sup>1</sup>- M, Shariyatzadeh<sup>2</sup>- O, Noroozi<sup>3</sup>

## **Abstract**

Education the required human resource in business from qualitative and quantitative aspect has been one of the greatest challenges of policy makers and planners from the very past time and this notion was put forward and executed strongly in the high school educational system in 1371- 1372. One of the most important sections of new high school education system is vocational and professional training. The agricultural high school education is regard as one of the basis of vocational and professional training, which deals with two branches of vocational and professional training, and also deals with training skilled and specialized human resource in the levels of semi-skilled worker, skilled or professional and technicians.

In attention to potential possibilities of agricultural sector in Iran and role of remarkable that this sector at this time posses in gross production of country (26 percent), this notion was put forward from the policy makers and planners, that production capacity in sector can enhanced by suitable management and to correct consistencies of effective factor in production.

The suggestion offered in this study included the improvement of the process and employment strategies for the students in agricultural training centers, human resource development, offering vocational training in the field, which are all related to the human resource development, needed for professions, preparing and executing supportive programs by the government to encourage private sectors toward investment and Job opportunities and enhancing self-job policy for graduates of the agricultural training centers and improving employment policy from the quantitative aspect, were all covered in this study.

**Key Words: Teaching and Vocational Training System - Employment- Labor Market of Agricultural Sector- Graduates**

---

<sup>1</sup> Associated professor of Agricultural Extension and Education, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran

<sup>2</sup> Faculty of Educational Research Institute, Tehran, Iran

<sup>3</sup> Graduated Student of Agricultural Extension and Education, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran